

مرغ خوشخوان

مردم را از شنیدن «ربنا» محروم نکنیم



غلامحسین امیرخانی

■ همه خاطراتی که ما بعد از پختگی قوه ادراک در زندگی کسب می‌کنیم، همان چیزی است که تحت عنوان «هوستالژی» می‌شناسیم. البته که اگر این خاطرات در قالب هنر و خصوصا «شعر» باشد، اهمیت بیشتری می‌یابد. ما ایرانی‌ها، بیش از هر ملتی از شعر، سرشار هستیم و شاید به همین دلیل، ایران، مهد بزرگ‌ترین شاعران عالم است.

موسیقی هم به نوعی یک شعر متعالی جهانی است؛ چون احساس و عاطفه‌ای را در ما برمی‌انگیزد که لزوماً احتیاجی به کلام ندارد. حالا اگر این‌دو، یعنی شعر و موسیقی با همدیگر ترکیب شوند، نمونه بسیار دل‌پذیری از هنر می‌شوند که به نظر من غذای روح هر ایرانی هستند. معتقدم اگر بخوایم چند اثر همیشه ماندگار در عالم موسیقی و شعر انتخاب کنیم که به همه شنونده‌های ذاتی و عاطفی متکی است، قطعه «ربنا»، اثر استاد عالی‌مقام و عزیز موسیقی آوازی ما جناب شجریان یکی از آنهاست که در خاطرها زنده است. البته پخش یا عدم پخش این قطعه از تلویزیون و رادیو، خود بحث دیگری است. «ربنا» در سول‌های ذهن مردم ما گرم شده است. این را بگویم که از طریق این صدا و همچنین مثنوی حضرت مولانا که با صدای استاد شجریان شنیده می‌شود، خیلی‌ها تحت تأثیر قرار گرفتند. من خود شاهد هم انسان‌های زیادی با شنیدن این قطعه، بی‌اختیار ایستادند و همه وجدشان به گوش تبدیل شده است. این احساس در خود من هم ایجاد شده و خود من هم این احساس را داشته‌ام. هر کسی که با این مقام‌های عالی فرهنگی و هنری آشنا باشد، به همین احساس می‌رسد. اینجا دیگر به نظر من بهینه‌بندی از میان برداشته می‌شود؛ از روشنفکر گرفته تا روحانی، از یک پسر گرفته تا یک دختر، از یک خارجی گرفته تا یک ایرانی؛ همه اینها، تشنه شنیدن این کلمات آتشین آسمانی بوده‌اند. همه کسانی که به این صدای دل‌انگیز و جادویی گوش داده‌اند، مجذوبش شده‌اند. در «ربنا»، مفهوم عالی یک پیام انسانی و زیبا، جلوه بیشتری می‌یابد. این ویژگی را ما در قرآن کریم هم شاهدیم که همه انسان‌ها را مجذوب و شیفته خود می‌کند. از هر زاویه‌ای نگاه کنید، هنر آن مقام عالی و الهی را در جان و روح خود پرورش داد. آن هم به دست نوابغ بزرگ تاریخ هنر. هنر به اثری تبدیل شده که از طریق شعر، ادبیات و نقاشی در جان انسان‌ها رسوخ می‌کند.

بنابراین اگر این آثار از رادیو و تلویزیون پخش نشود، هم رادیو و تلویزیون مغیوب و هم مردم محروم می‌شوند. نباید مردم را از شنیدن «ربنا» محروم کنیم. باید تمام کسانی که در این زمینه تصمیم گیر هستند، از خدا بخواهند و با تمام وجود خواهان باشند این اثر زیبا و بی‌ظنیر بتواند در ماه مبارک رمضان امسال، روح روزه‌داران را سرشار از نعمات الهی کند.

نگاه

مدیر رادیو معارف:

ماه رمضان بدون «ربنا» معنایی ندارد

■ شرق: مسوولان بخش معارف صداوسیما، طی دو سال پخش نشدن ربناي شجریان، اظهار نظرهای متلوتی در این‌باره داشته‌اند. سال گذشته پرویز فارسجانی، دبیر شورای معارف سیما در نشستی خبری در پاسخ به سوال خبرنگاران در مورد این دعا گفته بود: ربناي آقای شجریان جزو آثار ماندگار فرهنگی ملت و تاریخ هنر کمتر چنین اثری را به خود می‌بیند. این جور آثار متعلق به هنرمند نیست و متعلق به مردم است. اثر زلمی مهم است که مردم آن را دوست داشته باشند. پس مردم مقدم هستند. او قبلا در مورد گلمندی شجریان نسبت به پخش ربنا گفته بود: به هر حال حساسیت‌هایی از بیرون سازمان نسبت به این موضوع شده بود و ما وظیفه داشتیم تا این حساسیت را کاهش دهیم. امسال به نظر می‌رسد شرایط قدری تفاوت کرده؛ خصوصا اخباری که از اعطای مجوز به موسی «مرغ خوشخوان» این خواننده از سوی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده، این ظن را تقویت کرده که احتمالاً رمضان امسال «ربنا» میهمان سفره‌های مردم خواهد بود. حجت‌الاسلام محمد لطفی نیاسری، مدیر رادیو معارف در گفت‌وگو با شرق درباره احتمال پخش «ربنا» شجریان در رمضان امسال گفت: ماه مبارک بدون ربنا معنایی ندارد. البته باید ببینیم امسال در ماه مبارک قرار است چه تصمیمی گرفته شود. اما فکر می‌کنم باید امسال تنوعی به برنامه‌هایمان بدهیم». لطفی نیاسری در پاسخ به این سوال که آیا رادیو معارف به نوبه خود در زمینه پخش «ربنا» پیشقدم خواهد شد یا نه، افزود: «همی‌توأم قول صد درصد در این زمینه بدهم؛ بااین حال امکانش هست در این‌باره تشکیل جلسه بدهیم».

۴۲سال از ساخت ربنا می‌گذرد، بعد از گذشت این مدت، هنوز این آواز شنیدنی و خاطره‌برانگیز است، ایده اول ساخت این کار چگونه شکل گرفت؟

سال ۵۸ تغییرات و تحولاتی در رادیو مخصوصا در بخش موسیقی در حال شکل‌گیری بود. در آن سال‌ها مدیران رادیو تصمیم داشتند تولید موسیقی در رادیو را تعطیل کنند و تولیدشده‌های بیرون را بخرند. جلسات با مدیران رادیو گذاشتیم و در این جلسات خیلی تلاش کردیم مدیران را راضی کنیم که نیروهای خوب را نگه دارند و عده دیگر را بازنشسته کنند. در این جریان‌ها بود که رییس وقت رادیو آقای وجیه‌اللهی که فردی تحصیل‌کرده و روشنفکر بود، از من مکذا و مرتبا می‌خواست با توجه به تغییرات و تحولات سیاسی و مذهبی ایران برای پخش آثار جدید قبل از افطار طرحی انجام بدهم. آنها نمی‌خواستند آثار دوره قبلی را پخش

کنند. به ایشن گفتیم سال‌هاست من از آن فضا دور شدم و راه من با موسیقی و ارکستر تعریف شده است و این کار الا ن نیست. اما ایشان گفت فقط شما می‌توانید و ما تنها شما را داریم و از من خواست برای دم افطار، مناجات‌ها و اذان کاری انجام بدهم. من خودم را از وزارت کشاورزی آن دوران به رادیو منتقل کرده بودم و کارمند رادیو محسوب می‌شدم. پذیرفتم این کار را انجام بدهم. کلاسی برای افرادی که قرار بود دعای سحر و مناجات بخوانند، گذاشتم که با این افراد نحوه درست خواندن را کار کنم. تابستان سال ۵۸ بود که آموزش این عده را شروع و پس از مدتی هم ضبط این آثار را آغاز کردم. قرار شد برای دم افطار هم برنامه ضبط کنیم و از من خواستند برای برنامه‌های دم افطار هم فکری بکنم. برنامه‌های دم افطار دوران قبل از انقلاب را مرحوم ذبیحی بسیار عالی خوانده بود و من تمام کارهای او را از نوجوانی شنیده بودم و مناجات حضرت امیر را به صدای او از حفظ بودم. با این حال پذیرفتم که این کار را بکنم

■ کار دشواری را پذیرفتید، چراکه تغییر ذائقه مخاطب بسیار دشوار است.

باید بدانیم عادت را در مردم نمی‌توان گرفت. مردم به ربنا و دعای سحر مرحوم ذبیحی و اذان مرحوم موذن‌زاده‌ریبی عادت کرده بودند. نمی‌شد به این راحتی این عادت را در مردم تغییر داد. پس باید براسان آن حال و هوا حرت می‌کردم. اما در عین حال می‌خواستم اثر ویژگی‌های خاصی نیز برای خودش داشته باشد تا بتوان این را نیز به مردم بقبولانیم و کار جدید را جایگزین کنیم. ظهر آن روز همان آیت‌ای را که مرحوم ذبیحی خوانده بود، پیدا کردم و دو آیه دیگر نیز از سوره آل‌عمران و بقره پیدا و یک مطالعه ذهنی کردم که چگونه آن را بخوانم تا علاوه بر نزدیک بودن به کار مرحوم ذبیحی کار جدیدی باشد. به این فکر کردم باید آوازی باشد که علاوه بر اینکه تقلید نباشد، از اصل اثر هم خیلی دور نباشد. مجددا به مسوولان گفتم که سال‌هاست مخاطب من را به‌عنوان خواننده آواز می‌شناسد، اگر بخوام ربنا بخوانم و اذان بگویم، ممکن است مخاطب من را نپذیرد و این کار زیبا نیست. چون مردم فکر می‌کنند حالا که جمهوری اسلامی سر کار آمده، شجریان که تا دیروز آواز می‌خواند، امروز دعا می‌خواند و اذان می‌گوید و ممکن است نپذیرند و از سوی دیگر افراد دیگری که به صدای من عادت کرده‌اند هم ممکن است بپرسند که چرا شجریان آواز را رها کرده است و دعا می‌خواند. برای من این کار بسیار سخت بود. به همین دلیل به آنها گفتم که من به شما کمک می‌کنم و به دیگران آموزش می‌دهم تا آنها بتوانند ربنا و دعا بخوانند اما خودم این کار را نمی‌کنم. قبول کردند. رقتم استودیو و «ربنا» و «مثنوی افشاری» را بدون هیچ تکرار و تصحیحی خواندم. اثر ضبط‌شده را به چهار نفر از هنرمندان مورد نظر دادم و از آنها خواستم که تمرین کنند تا برای ضبط آماده بشوند. آقای قاسم رفعتی «مثنوی افشاری» را زیبا خواندند. اما با اینکه روشاد صالحی قرآن‌خوان حرفه‌ای بودند و صدای خوبی هم داشتند، هرچه تلاش کردند نتوانستند آن طوری که من مد نظر من بود، ربنا را بخوانند. بالاخره با کمک و راهنمایی‌های من بعد از ۲۰روز تمرین برای ضبط آماده شدیم و به استودیو رفتیم. در استودیو هم سه نفری که بنا بود ربنا را بخوانند، بارها خوانند و نتقد تا اینکه من بخشی از ربنا را می‌خواندم، این بخش را تکرار می‌کردند تا توانستیم این ربنا را ضبط کنیم. شروع به ویرایش و تصحیح این اثر کردم. از چهار بعدازظهر تا سه‌صبح کارها را تک و تنها در رادیو تصحیح می‌کردم تا این مناسبی برای پخش در ماه رمضان آماده شود. کارها را دوروز ملده به ماه رمضان آماده کردم و به رییس رادیو ارایه کردم. اما از همان موقع و حتی قبل‌تر آن، فریدون شهبازیان که کار من را شنیده بودند، اصرار می‌کردند که با صدای خودم این‌گونه پخش بشود، هیچ اجازه‌ای به آنها برای پخش ندادم. از همان زمان هم تصمیم گرفته بودم که دیگر در رادیو کار نکنم به آقای وجیه‌اللهی اعلام کردم که دیگر به رادیو نمی‌آیم. اما روز اول ماه رمضان دیدم ربنايی را که خودم خواندم‌ام از رادیو پخش شد.

■ یعنی بدون اجازه شما؟

بله. زنگ زدم به آقای وجیه‌اللهی. دیدم ایشان خیلی خوشحال هستند و می‌خندند. گفت که این تیر از کمان رها شده و من این را کیی کردم و به همه رادیوها و شهرستان‌ها دادم و همه این کار را پخش کردند. اعتراض کردم اما او خندید و گفت که ما برنامه به این خوبی را از دست نمی‌دهیم و این کار را باید همه مردم بشنوند. آن موقع به هیچ‌کس هم گفته نشد که این اثر را چه کسی خوانده است. به آنها گفتم که هیچ حق ندارید بگویید این اثر را من خواندم. اما این زمان مردم فکر می‌کردند که این اثر را یکی از قاریان حرفه‌ای خوانده و من طوری این اثر

محمدرضا شجریان در گفت‌وگو با «شرق»:

ربنا متعلق به همه مردم است



■ **تابستان سال ۱۳۵۸ محمدرضا شجریان در استودیو، ربنا را بدون تکرار در ضبط خواند تا مشقی برای هنرمندان شود. اما این اثر بدون اجازه استاد آواز ایران به پخش رسید. اثری که در ۲۲سال اخیر به‌راحتی جای خود را در دل‌های مردم پیدا کرد و امروز به‌عنوان اثری ماندگار شناخته می‌شود.** فرارسیدن ماه مبارک رمضان فرصتی شد تا سخنان استاد شجریان را درباره شکل‌گیری این اثر، احساس او در سال‌های بعد از ضبط آن، نحوه انتشار و مسایل پیرامونی بشنویم. همین جا از روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری دل آواز تشکر می‌کنیم که زمینه‌ای فراهم کردند تا ما دوباره از «ربنا» بشنویم و خالق آن.

مجدد بخوانم، هر چند بهتر و پخته‌تر خواهم خواند، اما مردم آن ربنا را پذیرفته و دوستش دارند و من هر کاری بکنم، نمی‌توانم ربنايی جدید را جایگزین ربنايی قدیم بکنم. بنابراین فکر کردم بهتر است من به عادت مردم احترام بگذارم و به دنبال این نروم که ربنا را دوباره بخوانم، من که از اول دوست نداشتم صدای من این‌طوری پخش بشود، اما زمانی که دیدم مردم با آن ارتباط گرفته‌اند و حال و هوای با ربنا دارند فکر کردم، بهتر است ربنا به همان شکل اول خود باقی بماند. اما سوال من این است که کسلی که در رادیو و تلویزیون تصمیم‌گیرنده هستند و اغلب هم تصمیمات بسیار ناآگاهانه و ناشیانه می‌گیرند چرا به این نکته توجه ندارند که نمی‌توانند عادت مردم را از آنها بگیرند. من به احترام سبقله مردم به خودم اجازه ندادم که بیایم ربنايی بهتری بعد از شش‌سال بخوانم اما این افراد چطور می‌توانند ربنايی دیگری به جای آن بگذارند. بهتر است آنها کار دیگری تولید کنند تا بتوانند جایگزین ربنايی فعلی بشود. می‌دانم که در رادیو و تلویزیون بسیار هزینه کردند تا ربنايی شجریان را کس دیگری بخواند، اما باید بگویم که ربنايی که من خواندم و مردم آن را قبول کرده‌اند به این راحتی جایگزین نمی‌شود، مگر یک نفر دیگر نباید چیز دیگری بخواند.

■ **عادت مردم را به این سرعت نمی‌توان تغییر داد، خصوصا اینکه نزدیک به ۲۰سال است که ربنايی شما با ماه رمضان عجین شده است.** مردم ۳۰سال است با این ربنا پای سفره افطار می‌نشینند و با آن خاطره دارند. من هرگز به خودم اجازه ندادم که این ربنا را از مردم بگیرم و آن را از آنها دریغ کنم. من کارم را ۳۲سال پیش انجام دادم و آن را به مردم هدیه دادم. ■ **قبل از انقلاب مرحوم ذبیحی ربنا و دعا مناجات قبل از افطار را خوانده بود و طبیعتا هم مردم به آن صدا عادت کرده بودند، اما امروز مخاطبان ربنايی مرحوم ذبیحی نیز به ربنايی شما عادت کرده‌اند چه کردید که بتوانید این روند را تغییر بدهید.** هنرمند باید کارش را خوب بلد باشد. من از کودکی خواندن قرآن را آموخته بودم و با آن زندگی کرده‌بودم و تمام وجودم خوانندگی در آن زمینه بود. از ۱۸سالگی به بعد که از خانه پدر بیرون آمدم، راه موسیقی پیش گرفتم در حالی که پیش از آن خواندن قرآن مثل زبان مادریم بود. از سوی دیگر کارهای مرحوم ذبیحی را شنیده بودم و کارهای ه‌ای بزرگ عرب را شنیده و تمرین کرده بودم و این کار را خوب بلد بودم. در کار ما همه چیز در تکنیک خلاصه نمی‌شود. اگر کارتان را خوب بلد باشید و از زری صداقت کار کنید روی مردم تأثیر خیلی خوبی خواهد گذاشت. احتمالا این موارد روی مردم تأثیر گذاشته است و باعث شده که ربنا جاودانه باشد.

■ **اگر کارتان را خوب بلد باشید و از روی صداقت کار کنید روی مردم تأثیر خیلی خوبی خواهد گذاشت. احتمالا این موارد روی مردم تأثیر گذاشته است و باعث شده که ربنا جاودانه بشود. زمانی که ربنا را خواندم برابیم حالت مناجات داشت** مردم هرگز با به این دلیل نخواندم که با شرایط روز خودم را هماهنگ کنم، اعلام کردم که این اثر را من خواندم. ■ **بازتاب‌ها چطور بود؟** مردم هرگز از من ایراد نگرفتند که چرا این اثر را خواندی، همه می‌گفتند که چه کار زیبا و دلنشینی است. یکی از دوستان تعریف می‌کرد که یک ی از قاری‌های بزرگ مصر به اسم رفیع ایران بوده که ربنا را می‌شنوند. از این کار یک کبی می‌خواهد تا ببیند می‌تواند این را بخواند یا نه؟ بعد از دوسال دوستم او را مجدداً می‌بیند و این قاری به او می‌گوید «کار من نیست». چرا که خوانندگی اوچی که در خواندن ربنا هست کار هر خواننده‌ای نیست.

■ **در آلبوم چه یاد پندر «ربنا هم هست، این آیین اثر را بازخوانی کردید یا همان ربنا اولیه را حفظ کردید؟** نه، همان ربنا را گذاشتم. من هرگز این اثر را بازخوانی نمی‌کنم، چرا که مردم با آن کار ارتباط گرفته‌اند و نت به نت زمان‌بندی آن را می‌شناسند. ■ **لحنی که من برای این اثر انتخاب کردم چیزی بین قرائت قرآن و آواز خوانند است. چون کلمات عربی خوانده می‌شود باید موسیقی مناسب خودش انتخاب بشود، با اینکه من این لحن را به خوبی بلد ام نمی‌خواستم صرفا لحن ربنا قرائت قرآن باشد. من این لحن را به خوبی بلد ام و می‌خواستم ربنا ایرانی‌پسند باشد. به عنوان مثال اذان موذن: زاده‌ریبی بیاتر ک است و به همین دلیل مردم این اذان را دوست دارند. من هم مرکب‌خوانی و سه‌گاه را بر این ربنا انتخاب کردم که هم در قرائت قرآن از آن استفاده می‌کنیم هم در آواز تا هم کسی که به عربی و قرآن آشناست لذت ببرد و هم کسی که از آواز ایرانی شناخت دارد.**

■ **سال‌ها ربنا پخش می‌شد بدون اینکه نامی از شما برده شود و طبیعتا در این مدت با شنیدن ربنا احساس کرده‌اید که می‌شاید این قسمت را بهتر خواندم، می‌خواهم بدانم که چه زمانی دل‌تان با پخش این اثر صاف شد؟** پنج یا شش سال که از پخش ربنا گذشت، به این حس رسیدم که ای کاش آن زمان ضبط بعضی از قسمت‌ها را تکرار می‌کردم تا کیفیت کار بهتر شود. به این فکر رسیدم حالا که مردم با ربنا ارتباط برقرار کرده‌اند، مجدد ربنا را ضبط و اشکالات ریز آن را برطرف کنم. اما فکر کردم که در این پنج‌سال مردم به این ربنا عادت کرده‌اند و نت به نت آن را حفظ هستند. اگر بخوام آن را

تولیزون و رادیو ممنوع کردید، اولی مربوط به سال ۷۴ بود اما قبل‌تر از آن نوروز ۷۳ شما به تلویزیون آمدید و حتی دعای تحول سال را خواندید. در این فاصله یک‌ساله چه پیش آمد که این عکس‌العمل شما را در بی داشت؟ من از روز اول دوست نداشتم که صدایم از رادیو و تلویزیون پخش شود. می‌دانم تصنیف «سپیده» یا «ایران ای سرای امید» را خود آقای لطفی به تلویزیون داد که پخش بشود. چرا که یک کسرت بود و نوار ضبط‌شده آن را فقط من، آقای لطفی و کلون چاوش داشتیم. تا یک روز از لطفی پرسیدم که تلویزیون این تصنیف را چطوری به دست آورده؟ گفت که من دادم. یاد

هست به لطفی گفتم که اشتباهه کردی و من دوست ندارم صدای من از رادیو و تلویزیون پخش شود. اواخر سال ۵۷ و اوایل سال ۵۸ خیلی از افسراد اصرار می‌کردند که من در رادیو بخوانم اما من قبول نمی‌کردم. اما صدای من و کارهای من را پخش می‌کردند. یادم هست سال ۵۹ یا ۶۰ بود که محمد هاشمی رییس وقت صداوسیما به اطرافیان من پیغام می‌داد تا من در رادیو و تلویزیون کار کنم. من کاری با تلویزیون نداشتم، فقط می‌رفتم در رادیو تدریس می‌کردم. چرا که من به رادیو و تلویزیون برای تدریس و تحقیق در آرشيو منتقل شده بودم. هرچند که رییس موسیقی رادیو از من خواهش می‌کرد که من در شواها شرکت کنم اما من نمی‌رفتم. حتی برای من ابلاغیه فرستاد که باز هم نرفتم و گفتم من فقط تدریس می‌کنم، شاگرد و زمان کلاس‌ها را می‌خودم انتخاب می‌کنم. پیام‌های زیادی برای رفتن به رادیو به من داده

شد. حتی مدیر وقت رادیو برای من خطاریه فرستاد که پرداخت حقوق شما بستگی به شرکت شما در جلسه دارد. حقوق من مگر چقدر بود؟ چیزی حدود ۴هزار تومان. خندادم گرفت. یک روز که رفتم رادیو، به او زنگ زدم که به دفتر من بیاید. به او گفتم درست است که شما مدیر هستید اما مدیر خوب کسی است که تکتک آدم‌ها را بشناسد و از توانایی‌های آنان خبر داشته باشد تا بتواند با آنها کار کند. گویا من را نمی‌شناسید که این نامه را به من نوشتید. در پاسخ به من گفت که این نامه اشتباهه شده است. به او گفتم حواست باشد دیگر این اشتباهات را مرتکب نشوی شما در جایگاهی نیستی که برای من خطاریه بپوشی. همین تدریس را هم از فردا تعطیل می‌کنم. از فردای آن روز به رغم مخالفت آنها دیگر به رادیو هم نرفتم و به وزارت کشاورزی برگشتم و آنجا هم خودم را بازنشسته کردم. همان موقع‌ها محمد هاشمی از من می‌خواست به رادیو بروم که من نمی‌رفتم. می‌گفت که در رادیو تدریس می‌کنید اما پیش ما نمی‌آیید؟ تا اینکه یک روز آقای صادق طباطبایی که از دوستان نزدیک من بود به من تلفن زد و گفت که من در دفتر محمد هاشمی هستم و ایشان اصرار دارند که شما را ببیند و من را واسطه کردند که بگویم با شما بیاید پیش ایشان یا ایشان بیایند پیش شما. قرار گذاشته شد که به خانه آقای طباطبایی برویم. خوشان بودند و رییس شبکه دو و من هم با محمد موسوی رفتم سر قرار. آقای هاشمی خیلی صحبت کردند و از من خواستند که همکاری کنم بعد از کلی مذاکره من نهایت من گفتم که شما در جلسه مدیر تلویزیون هر کاری که بخواهید می‌توانید انجام بدهید اما من در کارم جایگاهی دارم که حاضر نیستم با هیچ چیز دیگری عوض کنم. من می‌خواهم همان شجریانی که هستم باقی بمانم. خیلی اصرار کردند. آخر گفتم که باشد اگر شما این چهار هنرمندی را که من نیاز دارم به رادیو بیاورید، من هم می‌آیم. بعد هم گفتم اگر من برنامه تهیه کنم، خودم زمان پخش آن را تعیین می‌کنم.

■ **سنگ بزرگ انداختید جلوی پایشان.**

بله، چون می‌دانستم افراد دیگری برای پخش برنامه‌ها در تلویزیون تصمیم می‌گیرند و به من چنین اجزای نمی‌دهند. در آخر هم آقای هاشمی گفت که در شرایط تجدید نظر کنید، ما همیشه منتظر آمدن شما هستیم. کم می‌گفتم. من به هیچ وقت به تلویزیون و رادیو نمی‌آیم. هیچ وقت دوست نداشتم که در تلویزیون کار کنم اما آثار من مدام از تلویزیون پخش می‌شد. من هم مدام با ارسال پیام‌هایی اعتراضی می‌کردم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه دیدم کلیپ ساخته‌اند. کلیپی که هیچ ربطی هم به آواز من نداشت. آن زمان آقای لاریجانی مدیر رادیو و تلویزیون بودند. اعلام کردند که اسنادیست بیایند و هرچه آنها بگویند من انجام می‌دهم. من چند بار در جلسه شرکت کردم و ایشان هم حرف‌های قشنگی زدند و من هم حرف‌های قشنگ‌تری زدم. در این جلسات استاد پایور و استاد تجویدی و اساتید دیگری هم بودند تا سیاست‌های تلویزیون در پخش آثار موسیقی را تعیین کنند. بعد از جلسات ایشان به من گفتند که آقای شجریان اگر شما اسستین‌هایتان را بالا بزنید و بیایید اینجا همه مشکلات ما حل می‌شود. من دیدم الان بهترین موقعی است که به مردم بگویم من ۱۷سال سابقه باهم را در تلویزیون نگذاشته‌ام و در مصاحبه تلویزیونی مردم این نکته را از زبان خودم بشنوند. همان زمان دعای تحول سال و یک بهاره را خواندم. و بعد از گفتن این نکته دیگر تلویزیون نرفتم. هرچه آقای لاریجانی تماس گرفتند دیگر نرفتم.

■ **تا سال ۷۴ که پخش آثارتان را از تلویزیون ممنوع کردید؟** بله، اما روند پخش آثار من از تلویزیون ادامه داشت. کلیپ هم که می‌ساختند دیگر من وارد عمل شدم و نامه‌ای خطاب به مدیر رادیو و تلویزیون نوشتم و رونوشت آن را به روزنامه‌ها ارسال کردم و فقط اجازه دادم که ربنا پخش بشود و اعلام کردم که ربنا از آن است. ■ **اما بعد از مدتی فضا آرام شد و تلویزیون مجددا پخش کارهای شما را شروع کرد، اما عکس‌العملی از سوی شما دیده نشد؟** چه کاری باید می‌کردم. تنها راه‌حلش این بود که به دادگستری شکایت می‌کردم که روندی طی می‌شد که خیلی آداری بود. ■ **یعنی در دورانی که اعتراضی از سوی شما شنیده‌نشد، باز هم از پخش آثارتان نازایی بودید؟** بله، باز هم پیام می‌دادم که حق ندارید کارهای من را پخش کنید. من نمی‌توانستم و نمی‌خواستم از آنها جریمه بگیرم اما دوست هم نداشتم که کارهای من را پخش بکنند. من هیچ وقت رضایت نداشتم تا جراین انتخابات پیش آمد و من وکیل گرفتم که جنبه قانونی به این کار بدهم. ■ **با این شرایط همچنان ربنا متعلق به مردم است؟** بله، این ربنا همچنان متعلق به مردم است.

نوای سحری

«ربنا»ی شجریان در گفت‌وگو با حسام‌الدین سراج

به خاطرات مردم احترام بگذاریم



■ **نیما توسلی : حسام‌الدین سراج خواننده‌ای است که تجربه خواندن دعاهای قرآنی را در کارنامه خود دارد. او علاوه بر آواز، در برخی از آثارش آهنگسازی را نیز بر عهده داشته و با نواختن سنتور و سه‌تار هم آشنایی دارد. همچنین در دانشکده هنرهای زیبای بحثی تحت عنوان شناخت هنر را تدریس می‌کند.**

■ ■ ■

■ **شما خودتان تجربه خواندن دعاهای قرآنی از جمله دعای «با علی یا عظیم» را دارید. ربنايی استاد شجریان چه ویژگی‌های آوازی دارد؟**

ربنايی که جناب شجریان خوانده‌اند، بسیار استادانه است؛ هم از لحاظ ملودی و فرم و هم از نظر نوع خواندن. به این معنا که ملودی کلام در آن رعایت شده و در عین حال نوع خواندن به گونه‌ای است که هر کسی از پس اجرای آن برنمی‌آید. نکته دیگر که من فکر می‌کنم باید به آن خیلی توجه شود، این است که مردم با این دعا، خاطره دارند. خدا رحمت کند استاد صبحدل را که این دعا را ضبط کرد تا الگویی باشد برای قاریان مبتدی قرآن تا بعدا بتوانند شبیه آن و نمونه‌های دیگر این دعا را بخوانند. ولی بعد از اجرای این دعا از سوی شجریان، به الگو تبدیل شد و آنقدر زیبا بود که همان ضبط اولیه را پخش کردند و کسی دلش نیامد از این صدای خوش بگذرد و رفته‌رفته مردم از آن خاطره پینا کردند.

■ **این دعا به لحاظ موسیقایی ویژگی‌های فنی مهمی دارد. گفته می‌شود استاد شجریان تحت تأثیر شیخ‌نصرالدین طوبی و شیخ‌طه الفسی در خواندن ربنا بوده‌اند. شما منشأ تأثیرات ایشان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

به هر حال استاد شجریان تجوید می‌دانند و قاری قرآن بسیار خوبی هستند. ایشان در حقیقت این دعای قرآنی را طراحی کرده‌اند. به عبارتی، طراحی متناسب با ملودی کلام صورت گرفته؛ به همین جهت این دعا دلنشین است.

■ **گویا این اجرا فاقد تحریر است...**

این اجرا متناسب با فرم خواندن قرآن است؛ متناسب با فرم خواندن آواز ایرانی نیست. بیشتر با فضای خواندن قرآن ارتباط دارد.

■ **توصیه شما به مسوولان به عنوان موسیقیدانی که تجربه خواندن ادعیه قرآنی را دارید و دستگاه‌های قرآنی‌رامی‌شناسید چیست؟** من فکر می‌کنم باید به این علاقه و خاطره، احترام بگذاریم. فراموش نکنیم سه دهه است که ربنا از صدا و رسویمای پخش می‌شود و زمان پخش آن هم در یکی از روحانی‌ترین لحظات و ایام سال است. هر شنونده‌ای، فارغ از میزان دیانت، لحظه‌هایی معنوی و عرفانی را با این دعا سر می‌کند. میلیون‌ها نفر در لحظات سحر و افطار، منتظر شنیدن این دعا هستند. یکی، دوسالی است که این دعا پخش نمی‌شود. به هر حال من هم همچون شمار زیادی از مردم، امیدوارم امسال در ماه رمضان دوباره شاهد پخش ربنا از تلویزیون و رادیو باشیم.

راز مانا

نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس: پخش ربنا می‌تواند موضوعیت داشته باشد

■ **پرویز براتی: در فاصله دو روز مانده به آغاز ماه مبارک رمضان، آیا «ربنا» امسال از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش می‌شود؟ این سوالی است که میلیون‌ها روزه‌دار، بدون توجه به برخی حاشیه‌ها از خود می‌پرسند و مشخص است که خواست مردم، هنرمندان، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران فرهنگی در ماه رمضان امسال، پخش این اثر از صداوسیماست. با اینکه مسوولان صداوسیما در قبال درخواست‌های شرق جهت بررسی امکان پخش ربنا پاسخ مشخصی نداده‌اند اما به نظر می‌رسد میل نمایندگان مجلس برای روشن شدن تکلیف پخش این اثر بیشتر است. جواد آری‌منش، نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و نماینده مردم مشهد درباره دلایل عدم پخش ربنا طی این دو سال می‌گوید: «ظاهرا خود**

آقای شجریان از پخش ربنا منعیت کرده بودند. ایشان در گذشته موضع‌گیری تندتری در این رابطه اتخاذ کردند. با این حال چنانچه موضع مثبت خود را اعلام کند، صدا و سیما هم می‌تواند از این دعا مثل بقیه آثار خود استفاده کند.» نماینده مردم مشهد در مورد احتمال استفاده از ربنا در ماه رمضان امسال می‌افزاید: «پخش ربنايی زیبای شجریان می‌تواند موضوعیت داشته باشد؛ چنانکه پیش از این صداوسیما از این اثر استفاده می‌کرد. طبیعتا شجریان هم بهره معنوی خود را از این مساله می‌برد. کسی غیر از خود ایشان مخالف پخش ربنا نبود؛ طبیعتا اگر ایشان اجازه این کار را بدهند، مشکلی باقی نمی‌ماند.» این‌همش در عین حال احتمال برگزاری جلسه‌هایی از سوی کمیسیون فرهنگی مجلس را جهت بررسی این موضوع در نمی‌کند. اعطای مجوز به آلبوم «مرغ خوشخوان» به آهنگسازی و خوانندگی شجریان از سوی وزارت ارشاد طی روزهای اخیر، می‌تواند مشتاقان ربنا را به شنیدن اخبار دلگرم‌کننده‌تری دلخوش کند.